

**طبقات اجتماعی و نمایش انتخاباتی در کردستان ایران!**

صفحه ۳

نسان نودینیان

**کارگران هفت تبه همراه با خانواده ها دست به تحصن زدند  
نیروی انتظامی باید از مراکز کار برچیده شود!**

صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری ایران

**نگاه هفته:****مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان**

صفحه ۴

نسان نودینیان

**جنایت هولناک تروریستی در کابل محکوم است**

صفحه ۴

حزب کمونیست کارگری ایران

**نامه آتنا از بند زنان زندان اوین:****"اعتصاب غذا کردم که صدای بی صدایان باشم"**

صفحه ۵

**آتنا به اولین خواستش دست یافت آتنا باید فوراً آزاد شود!**

صفحه ۵

حزب کمونیست کارگری ایران

**اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان**

صفحه ۶

عزیزه لطف الهی

**کومه له بخشی از جنبش کارگری و  
کمونیستی یا بخشی از جنبش ملی کرد؟**

مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران

**ایسکرا: اخیراً ابراهیم علیزاده**

در مصاحبه ای با رادیو پیام کانادا از ائتلاف و همکاری شش حزب اپوزیسیون کرد دفاع کرده است. او در این مصاحبه گفته است در "جنبش کردستان" گرایشات متعددی وجود دارد و کومه له یکی از آن گرایشات است. بنابر این همکاری و ائتلاف آنها امری ضروری است. برای روشن شدن این موضوع ابتدا بگویید منظور از جنبش کردستان و گرایشات درون آن چیست؟ آیا یک جریان کمونیستی گرایشی در درون جنبش ملی کرد است؟

**محمد آسنگران: آنچه جنبش**

کردستان یا جنبش ملی کرد، و... مینامند اشاره به حرکتی اعتراضی است که در کردستان علیه جمهوری اسلامی در جریان است. اما کردستان مانند هر جامعه دیگری دارای طبقات و جنبشها و سنتهای سیاسی متفاوتی است. روشن است در کردستان همانند هر جای دیگر دنیا نمیتوان همه طبقات، احزاب و گرایشات سیاسی را در یک جنبش و اجزای یک جنبش تعریف کرد. زیرا احزاب مختلف برآمده از طبقات و جنبشها و سنتهای سیاسی و متفاوت هستند. این

صفحه ۲

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

## از صفحه ۱ کومه له بخشی از جنبش ...

کسی که تلاش میکند جنبش کارگری و سوسیالیستی کردستان را همراه جنبش بورژوازی و ناسیونالیستی و اسلامی و... در یک قالب به اسم جنبش کردستان قرار بدهد و همه آنها را گرایشات مختلف درون این جنبش معرفی کند باید دید کدام هدف سیاسی را از این تعابیر دنبال میکند.

این نوع تحلیل و تعبیر قبلا بوسیله رهبران حزب دمکرات کردستان ایران علیه کومه له بکار گرفته میشد که میگفتند ملت کرد یک خواست و یک افق تحت عنوان افق ملی را دنبال میکند و حزب دمکرات هم نماینده و حزب آن ملت و آن جنبش است. حزب دمکرات تاکید میکرد که خواست آن ملت انقلابی است، پس حزب دمکرات هم یک حزب انقلابی است و کومه له باید رسماً اینرا بپذیرد. اتفاقاً یکی از اختلافات مهم و پایه ای کومه له با حزب دمکرات این بود که کومه له در نقد این بینش بورژوا-ناسیونالیستی تاکید میکرد که حزب دمکرات نماینده و برآمده از یک جنبش به اسم جنبش ناسیونالیستی است و کومه له برآمده از جنبش کارگری و سوسیالیستی است. حزب دمکرات این تحلیل کومه له را تفرقه افکنانه و برخلاف منفعت "واحد" مردم کرد میدانست. زیرا مدعی بود در کردستان نه بورژوازی و نه کارگر هیچکدام وجود ندارند و ملت کرد یک صف واحد ملی را تشکیل میدهند. در ادامه این جدل سیاسی بود که حزب دمکرات از کومه له خواست باید نظرش را در مورد بورژوازی بودن ماهیت طبقاتی حزب دمکرات تغییر بدهد در غیر اینصورت حزب دمکرات دست به اسلحه میبرد. پروسه جنگ و مذاکره کومه له با حزب دمکرات و پافشاری کومه له بر وجود و تثبیت آزادی بیان و آزادی فعالیت در دهه ۶۰ شمسی پروسه تقابل بر سر این مسئله است. وجود اسناد غیر قابل انکار این جدلها اکنون در دسترس همگان هست.

متأسفانه کومه له امروز از زبان دبیر اولش این خواست حزب دمکرات و جنبش ناسیونالیستی را پذیرفته و چنین میگوید:

"اگر اصل وجود جنبش کردستان را بپذیریم باید اینرا هم بپذیریم که در درون این جنبش گرایشات مختلف وجود دارد". "نیاز همکاری ما با احزاب دیگر از نیاز جنبش کردستان سرچشمه میگیرد. ما باید این جنبش را حفظ و تقویت کنیم و با احزاب درون این جنبش همکاری کنیم." "مردم وحدت احزاب کردستان را میخواهند. و این حرکت ما به مردم نشان داد ما نیستیم که وحدت را دچار مشکل میکنیم بلکه احزاب دیگر هستند که پیمان شکنی میکنند".

طبق این سیاست تازه دبیر اول کومه له: سازمان کردستان حزب کمونیست ایران کومه له بخشی از جنبش کردستان و گرایش در درون "جنبش کردستان" است. بخشهای دیگر و گرایشات دیگر این جنبش احزاب ناسیونالیستی و اسلامی هستند! "برای حفظ و تقویت این جنبش، همکاری احزاب و گرایشات ناسیونالیستی و اسلامی درون این جنبش ضروری شده است. زیرا آنها هم گرایشاتی در درون این جنبش هستند. این سیاست ستون اصلی متد دبیر اول کومه له را تشکیل میدهد. این یک تغییر ریل سیاسی و طبقاتی است. ابراهیم علیزاده با یک سری اقدام عملی برای نزدیکی به جریانات ناسیونالیستی نهایتاً در قالب یک مصاحبه اینرا پذیرفته است که کومه له یک جریان سیاسی و گرایشی از جنبش ملی کرد است که دیگر احزاب ناسیونالیست و اسلامی کرد هم در این جنبش حضور دارند و همکاری و نزدیکی آنها از اینجا ناشی میشود. با این تعریف کومه له نه یک سازمان کمونیستی و بخشی از جنبش طبقه کارگر و منتقد جنبشهای غیر کارگری بلکه یک سازمان سیاسی کرد و گرایشی در درون جنبش ملی کرد است.

روشن است نیروهای کمونیست و بورژوازی ناسیونالیست و اسلامی نمیتوانند گرایشات مختلف درون یک جنبش واحد باشند. اسم جنبش کرد یا جنبش ملی کرد بطور شفاف اشاره به جنبش ناسیونالیستی در کردستان دارد و هیچ نیروی کمونیستی قاعدتاً نمیتواند گرایشی در درون آن تعریف بشود. زیرا فلسفه

وجودی یک جریان کمونیست این است که گرایشی در درون جنبش کارگری باشد، نه گرایشی در درون جنبش ملی کرد.

کومه له اگر بخواهد این سیاست علیزاده را مصوب و به سیاست رسمی خودش تبدیل کند اخلاقاً موظف است تمام مصوبات تاریخ قبلی خود را مردود اعلام کند. زیرا علیزاده امروز کومه له را گرایشی در کنار احزاب دیگر کردستان معرفی میکند که همگی اجزا یک جنبش واحد را تشکیل میدهند و برای حفظ و تقویت آن در کنار هم و در ائتلاف با هم قرار گرفته اند. این در حالی است که کومه له در تمام اسناد و مصوبات قبلی، خود را سازمانی کمونیستی برآمده از جنبش کارگری و کمونیستی معرفی کرده است. ابراهیم علیزاده نمیتواند هیچ سندی در تاریخ کومه له پیدا کند که نشان بدهد این سازمان نشأت گرفته و یا دخیل در جنبشی است که حزب دمکرات و خبات و شاخه های سازمان زحمتکشان هم از اجزا آن و گرایشات درونی آن باشند.

کومه له قدیم به دلیل اینکه خود را متعهد به دفاع از منافع طبقاتی معینی میدانست در نقد سیاستهای ناسیونالیستی و بورژوازی حزب دمکرات و دیگر جریانات ناسیونالیستی و اسلامی پیشتاز بود. ابراهیم علیزاده امروز تحت عنوان "جنبش کرد"، "جنبش کردستان"، "جنبش ملی کرد" یا "جنبش انقلابی کردستان" کومه له را تماماً از محتوای سیاست کمونیستی تهی میکند و آنرا گرایشی در کنار بقیه گرایشات درون جنبش ملی کرد معرفی میکند.

این تعریف از کومه له تا کنون به این صراحت از جانب بالاترین مقام این سازمان اعلام نشده بود. این اولین بار است که یکی از اعضای رهبری کومه له بطور رسمی چنین جایگاهی برای سازمانش قائل است. اتفاقاً ما در نقد کومه له همین را گفتیم. اگر قبلاً ما این سیاست را تحلیلاً و از روی آنالیز کردن پراتیک کومه له نتیجه می گرفتیم اکنون رهبری این سازمان با اعلام این سیاست کار ما را راحت کرده است. اما هنوز باید تکلیف این تز جدید روشن بشود. این سیاست که کومه له گرایشی در

## کارگران هفت تپه همراه با خانواده ها دست به تحصن زدند نیروی انتظامی باید از مراکز کار بر چیده شود!

بیش از هزار کارگر شاغل و بازنشسته و نی بر نیشکر هفت تپه که از روز ۱۳ خرداد دست به اعتصاب و تجمع زده بودند، از ساعت ۸ صبح روز ۱۷ خرداد همراه با خانواده های خود دست به تحصن در محل شرکت زدند و خواهان رسیدگی به خواسته های خود از جمله پرداخت فوری حقوق های معوقه شدند.

طبق گزارشی از اتحادیه آزاد کارگران ایران، در جریان تحصن یکی از مامورین انتظامی که از زمان خصوصی

شدن این شرکت در محل این شرکت مستقر شده است، اقدام به توهین به کارگران کرد که با عکس العمل کارگران مواجه شد. کارگران متحصن وی را مورد هجوم قرار دادند که در این حین مامور مربوطه با حرکت به سمت ماشین خود و

درون یک جنبش است که بقیه احزاب ناسیونالیستی و اسلامی هم گرایشات دیگر درون آن هستند به این معنی است که کومه له جناح چپ جنبش ملی است. مشکل از اینجا آغاز میشود چون در هیچ سند مصوبه ای نه قدیم و نه جدید چنین تعریفی از کومه له وجود نداشته و ندارد.

طبعاً رهبری کومه له از نظر حقوقی حق دارد هر تعریفی و هر جایگاهی برای سازمان خودش قائل باشد. اما جریانات کمونیستی مثل ما هم حق داریم بگوییم این سیاستی راست و ناسیونالیستی است. زیرا تاریخاً کومه له خود را بخشی از جنبش کارگری و بخشی از جنبش کمونیستی دانسته است. این دگردیسی کومه له که امروز از زبان علیزاده بیان رسمی پیدا کرده است و خود را گرایشی در درون جنبش ملی کرد میداند با هیچ تفسیری نمیتوان آنرا به مصوبه هیچ کنگره ای در تاریخ این سازمان وصل کرد. اتفاقاً این دگردیسی ناشی از غش کردن

لازم به توضیح است که کارگران در اولین روز اعتصاب در روز ۱۳ خرداد جاده بین المللی اهواز- اندیشک را بستند و خواهان پرداخت فوری حقوق فروردین و اردیبهشت و پاداش سالهای ۹۴ و ۹۵ شدند.

صفحه ۳

رهبری کومه له به بغل عبدالله مهدی است. گرایش ناسیونالیستی درون و حاشیه کومه له سالها است که می خواهد به این نتیجه برسد که کومه له چنین جایگاهی برای خود قائل بشود. ابراهیم علیزاده با دستکاری تاریخ حزب کمونیست ایران و نقش کومه له در آن پیشینه ساختن این حزب را نه وصل شدن کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست و نقش منصور حکمت و نقد چپ خلقی بلکه وصل شدن به سنت کنفرانس وحدت ربط داد. شرکت کومه له در کنگره ملی کرد و اخیراً استقبال از طرح بارزانی برای تشکیل ائتلافی از احزاب کردستان ایران و تشویق آنها به نشان دادن ظرفیت قابل قبول برای استفاده از تبعات سیاستهای ترامپ و قطب عربستان سعودی و... همگی در این جهت تبیین و اجرا شدند که کومه له را به سازمانی قابل قبول برای جنبش ناسیونالیستی کرد تبدیل کند.

ادامه دارد

## طبقات اجتماعی و نمایش انتخاباتی در کردستان ایران!



نسان نودینیان

بالاخره نمایش انتخاباتی دوره دوازدهم پایان رسید و روحانی در راس قدرت در دولت دوازدهم قرار گرفت.

به منظور بررسی پایگاه اجتماعی حکومت اسلامی و اندازه قدرت این حکومت در نمایشهای انتخاباتی بطور مختصر به بررسی نیروهای اجتماعی در شهرهای کردستان، میپردازیم.

در کردستان ایران، با بقدرت رسیدن حاکمیت خود گمارده جمهوری اسلامی نمایشهای انتخاباتی یکی از جدالهای جدی در صحنه سیاست و رو در روی مردم با حکومت اسلامی است.

آرایش سازمانیافته مدافعین جمهوری اسلامی در کردستان! موافقین حکومت اسلامی با تشکیل "مکتب قران" به رهبری احمد مفتی زاده و سپس پیشمرگان مسلمان گرد جبهه سیاسی خود را تشکیل دادند. جبهه ای ناکام و بشدت مورد تنفر از جانب مردم شهر و روستاهای کردستان که در به اصطلاح محترمانه ترین برخورد به آنها "جاش" گفته میشود.

با انتخاب خاتمی "جبهه متحد گرد" یا اصلاح طلبان گرد، تشکیل شد. نیروهای تشکیل دهنده این جبهه تعدادی از کسانی که در دوره ششم مجلس اسلامی از شهر و روستاهای کردستان حضور داشتند و تعدادی از تتمه جبهه ناکام شده مکتب قران بودند.

دو شاخه حزب دمکرات (حزب دمکرات کردستان ایران و حزب دمکرات کردستان) به نظر من در برخورد به جناح اصلاح طلب و دوایر آنها از جمله جبهه دودخداد و اصلاح طلبان گرد بر فاکتور مذاکره و سازش پایه ریزی شده است.

فاکتورهای بین المللی و نزدیکی و ائتلاف های منطقه ای، نزدیکی حزب دمکرات کردستان ایران به جبهه ترکیه - سعودی به این معنی نیست که این احزاب در

قامت واحدی (هر دو حزبی دمکرات) رابطه و دیالوگ و یا مذاکره و راضی شدن به ژاندارم مفرها در کردستان را فراموش کنند. و در یک تند پیچ نسبتا کم شیب هم با کله وارد رابطه و دوستی هایشان با دستجات مختلف از دوایر دور و نزدیک جمهوری اسلامی نشوند!

حزب دمکرات نماینده بورژوازی و ناسیونالیسم در کردستان ایران است. این حزب با بورژوازی کرد، بخشهایی از عناصر و کاربدهستان و کارچاق کن های رژیم اسلامی نزدیک است. مذهب و اسلام هم در کنار ناسیونالیسم و ملی گرایی پایه های قدرت گیری و نیروی حزب دمکرات هستند.

اصلاح طلبان گرد از بدو تشکیل و شروع فعالیت از برخورد های همسوگرانه حزب دمکرات کردستان ایران بی بهره نبوده است. در همین رابطه انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا که در دوره خاتمی و اولین دوره انتخابات سراسری شوراهای اسلامی در ۷ اسفند سال ۱۳۷۷ برگزار گردید. برای حزب دمکرات فرصت مناسبی بود برای شروع "دیالوگ" و باز کردن درهای بسته ای که رابطه حزب دمکرات با جمهوری اسلامی بعد از ماجرای میکونوس درست شده بود. به منظور گشودن درهای بروی جمهوری اسلامی اینبار این حزب در ارتباط با نمایش انتخاباتی شوراهای اسلامی شهر و روستا و نمایش انتخاباتی مجلس اسلامی دوره ششم سنگ تمام گذاشت. این حزب که علاقه شدیدی به نزدیکی به خاتمی داشت سیاست شرکت فعال در این نمایشهای انتخاباتی را اتخاذ کرد. دفتر

سیاسی حزب دمکرات در تاریخ یازدهم اسفند ماه ۱۳۷۸ که بمناسبت شرکت مردم در نمایش های انتخاباتی صادر کرده بود خوشحالی خودش را اعلام کرد که مردم در کردستان کاندیداهای "واقعی و مستقل مردم" را انتخاب کرده اند. حزب دمکرات با این پیام و ابراز خوشحالی و خوشحال از اینکه راه های ورود به نزدیکی با جمهوری اسلامی را باز و هموار کرده عملا در جهت در پیش گرفتن سیاست حمایت از مجلس اسلامی

ششم موضع گرفت. اینجا جا دارد به موضع «جامعی دموکراتیک و آزاد شرق کردستان-کودار» (کودار سازمان اصلی پژاک است) اشاره ای کوتاه داشته باشیم. این سازمان با طرح هایی آبکی تحت عنوان "طرح جامع مطالبات" موضع شرکت در نمایشهای انتخاباتی شدند. یک هفته قبل از برگزاری این نمایش اعلام کردند که نمایش انتخاباتی را بایکوت میکنند اما کماکان مردم کردستان را به شرکت در نمایش انتخاباتی شوراهای شهر و روستا دعوت کردند.

اما، در شرایط کنونی و با شروع مضحکه انتخاباتی دوره دوازدهم و انتخابات شوراهای شهر و روستا هر دو شاخه حزب دمکرات در ائتلافی شش گانه و از جمله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری و شوراهای شهر و روستا را تحریم و بایکوت کردند. علیرغم توافقات کتبی ائتلاف شش گانه در ارتباط با بایکوت، هر دو شاخه حزب دمکرات مردم را تشویق به رفتن و شرکت در نمایش انتخاباتی شوراهای شهر و روستا کردند. و عملا دست به اقدامی زدند که ادامه سیاستهای تاکتونی آنها برای گرم کردن بالماسکه انتخاباتی سا لها قبلمتر بود.

نمایش انتخاباتی شوراهای شهر و روستا در شهرهای کردستان ویژگی خاص خود را دارد. کاندیداهای شوراهای شهر و روستا افرادی هستند، عمدتا از طبقات بالا، تحصیل کردهایی که عمدتا از طیف جبهه متحد کرد و طیفی دیگر از تتمه مکتب قران، در روستاها و بدرجه ای تعدادی از شهرها بازار تشویق و دعوت شرکت در این مضحکه انتخاباتی گرم است. همچنانکه در سطح سراسری بیش از ۱۹ میلیون از مردم روستاها با دست و دلبازی و تحت تاثیر تشویق و دعوت طایفه های خونی و قبیله ای در نمایش انتخاباتی شرکت میکنند. روستاهای کردستان هم از این قاعده مستثنی نیستند.

در یک کلام با توجه به مواضع احزاب دمکرات، بافت اجتماعی پایگاه های رای دادن به نمایشهای

## صفحه ۲ کارگران هفت تپه ...

روز ۱۵ خرداد سیامک نصیری افشار، قائم مقام شرکت، با حضو در میان کارگران اعتصابی اعلام کرد که هر کس به سر کار برنگردد اخراج میشود. کارگران او را هو کردند و اعلام کردند در صورتی که حقوق معوقه آنها پرداخت نشود، و مشکل بیمه آنها حل نشود، دست به تحصن در مقابل فرمانداری شوش خواهند زد و امروز این التیماتوم خود را عملی کردند. کارفرما با استفاده از نیروی انتظامی تلاش کرده است فضای رعب و وحشت ایجاد کند و با قلدری از پرداخت حقوق کارگران خودداری کند و جلو اعتراض آنها را بگیرد. اعتصاب و تحصن کارگران در روزهای اخیر نشان داد که کارگران مرعوب کارفرما و نیروهای سرکوبش نشده اند.

حضور خانواده های کارگران در تجمعات اعتراضی

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ خرداد ۱۳۹۶  
۶ ژوئن ۲۰۱۷

## دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم منجلا بی بیش نخواهد بود.

انتخاباتی، درصد معینی از مردم در شهرها و عمدتا روستاها، هستند.

به نظر من علیرغم آرایش طبقاتی و نیروهای طبقت بالا دست و اقشار طرفدار جمهوری اسلامی، نمایشهای انتخاباتی عمدتا در شهرها و بخشا در روستاها با عدم شرکت مردم در سطح بالایی روبرو میشود.

این نوشته به آمارها و نحوه اعلام نتایج نمایش انتخاباتی و خوش رقصی مزدوران اصلاح طلبان کرد نمیدارد. اما آنچه عیان است و ما تجربه کردیم شرکت مردم شهرها در این نمایش انتخاباتی پایین بود.

وجود و حضور احزاب سیاسی و سرنگونی طلب جامعه کردستان را

۱۶ خرداد ۱۳۹۶  
۶ ژوئن ۲۰۱۷



نسان نودینیان

## نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات  
هفته از شهرهای کردستانتهدید تلفنی دوتن از فعالین  
کارگری از سوی وزارت اطلاعات

بگزارش کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران، طی چندین تماس تلفنی، از سوی وزارت اطلاعات دوتن از فعالین کارگری محمود صالحی و بهنام ابراهیم زاده مورد تهدید قرار گرفتند وزارت اطلاعات محمود صالحی را تهدید به بازداشت کرده است آنها دلیل تهدید این دو فعال کارگری را ارتباط با زندانی فرهاد سلمان پورظهیر که مدت پنج ماهی است در بند ۲۰۹ وزارت در سلول انفرادی بسر میبرد بیان کرده اند لازم به ذکر است محمود صالحی سخنگو و مسئول کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده در زمان دستگیری بوده و در حال حاضر از سوی دستگاه قضایی به نه سال حبس محکوم گردیده است بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و عضو کمیته پیگیری و عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان میباشد که به تازگی در روز یازده اردیبهشت جاری بعد از تحمل نزدیک به هشت سال حبس در زندان اوین ورجایی شهر آزاد شد.

فعالین کارگری از جمله محمود صالحی و بهنام ابراهیم زاده در حلقه ای از حمایتهای بین المللی و داخل کشوری قرار دارند. فعالین کارگری و معلمان سخنگویان شناخته شده ای هستند. تهدید فعالین کارگری و معلمان سیاست ناکام حکومت اسلامی است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران تهدیدهای امنیتی علیه فعالین کارگری محمود صالحی و بهنام ابراهیم زاده را محکوم میکند و فعالین کارگری، معلمان و مدافعین حقوق زنان، کودکان و زیست محیطی را فرا میخواند هر چه گسترده تر علیه سیاست "اتهام امنیتی" فعالیت، فعالین کارگری و معلمان و تشکل های مدنی متحدانه بایستند.

۱۱ خرداد ۱۳۹۶

۱ ژوئن ۲۰۱۷

اقدام مسئولین قوه قضایه دهن کجی به معلمان کشور و تشکل معلمان کانون صنفی و همچنین دهن کجی به خانواده اسماعیل عبدی بود. مادر و همسر و فرزندان اسماعیل عبدی شبها را در محوطه بیمارستان ماندگار شدند. تا در خفا اسماعیل عبدی را به زندان بازگردانند. اما نیروهای سرکوبگر رژیم در روز روشن مقابل چشم همگان اسماعیل عبدی که بر تخت بیمارستان بود به زندان بازگرداندند! مرگ بر حکومت هار اسلامی زندانیان سیاسی باید بدون قید شرط فوری آزاد شوند! جای معلم زندان نیست! اسماعیل عبدی را باید فوراً آزاد کنیم!

مادر اسماعیل عبدی  
حاضر نشد به منزل برگردد

مادر اسماعیل عبدی حاضر نشد به منزل برگردد. وی امشب را در محوطه بیمارستان ماندگار شد تا آزادی فرزندان را بخواهد! صدای اسماعیل عبدی باشیم! جمهوری اسلامی باید بدون قید و شرط فوری اسماعیل عبدی را آزاد کند!

صفحه فیس بک مینا احدی ایران کشوری است که در آن، فاشیسم اسلامی حاکم است با زن ستیزی عریان و زمینه سازی برای قتل ناموسی و اسید پاشی بصورت زنان، ایران کشوری است که حکومت در مقاطعی سعی کرد بصورت زنان معترض از طریق باندهای بیرحم حکومتی اسید پاشد تا جنبش زنان را ساکت کند. ایران کشور سرکوب عریان زنان و به بند کشیدن زنان است، اما در مقابل این ضدیت آشکار با حرمت و حقوق زنان، جنبشی قوی و سنت شکن و مدرن در اعماق جامعه در حال رشد است که گلوی حکومت و اسلام و مردسالاری را خواهد فشرده. زنان و مردم مترقی به اشکال گوناگون مبارزه میکنند و خود را سازمان میدهند. انجمن حمایت از قربانیان اسید پاشی آخرین سازمان غیر دولتی در ایران که اجازه فعالیت گرفت، هست. از این اقدامات و این نوع فعالیتها باید دفاع کرد.

عفو بین الملل و عدالت برای ایران در اطلاعیه ای مشترک از

جنایت هولناک تروریستی در کابل  
محکوم است

بلکه خود بخشی از صورت مساله اند. تاوان این فجایع بیشمار را مردم مصیبت دیده و بی پناه افغانستان می پردازند. می توان و باید به این وضعیت دردناک خاتمه داد.

حزب کمونیست کارگری صمیمانه خود را در کنار مردم مصیبت دیده و داغدار افغانستان می داند و پیگیرانه از مبارزه جریانات چپ و آزادیخواه و سکولار افغانستان برای رهایی از دولت مرتجع قومی اسلامی و جارو کردن دار و دسته های تروریست اسلامی از این کشور دفاع می کند. ما مردم آزادیخواه در سراسر جهان و بویژه مردم ایران را فرامیخوانیم که دولت های مرتجعی که در این وضعیت نقش دارند، از جمله جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار قرار دهند و به رهایی مردم افغانستان یاری رسانند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ خرداد ۱۳۹۶  
۱ ژوئن ۲۰۱۷



تخریب يك گور جمعی در اهواز، جنوب غربی ایران که حاوی بقایای حداقل ۴۴ نفر که در تابستان ۱۳۶۷ به صورت فرا قضایی اعدام شدند است، ابراز نگرانی کرده و هشدار داده اند که این اقدامات موجب از بین رفتن شواهد جرم و امکان دادخواهی خواهد شد.

فیلم ها و عکس هایی که به سازمان غیردولتی عدالت برای ایران رسیده و توسط عفو بین الملل بررسی شده نشان می دهد که در حال حاضر بولدورها بر روی يك پروژه ی

زنده باد انقلاب انسانی  
برای جامعه ای انسانی!

## نامه آتنا از بند زنان زندان اوین: اعتصاب غذا کردم که صدای بی صدایان باشم



اعتصاب غذا کردم که صدای بی صدایان باشم، ابتدا پدرم را مورد آزار قرار دادند و بعد در پرونده جدید خواهرانم را به حبس محکوم کردند، حبسی ناعادلانه و کاملاً خلاف قوانین خودشان، تنها برای آزار و سکوت من. به عالیجنابان گفته بودم چه یک روز و چه یک سال چه تعلیق و تعزیر بودن آن تفاوتی ندارد به نفس عمل گروگان گیری خانواده زندانی سیاسی و جانباخته راه آزادی اعتراض خواهم کرد و در این راه از مرگ هراس نیست و مرگ آخرین سنگرم!

خواستم صدای تمام کسانی باشم که در تمام این سال ها خانوادگی گرفتار ظلم و جور شدند، خواهرانم بهانه ای بودند تا صدای مریم و رضا اکبری منفرد باشم که سی و نه سال پیش چهار خواهر و برادرشان تیرباران و امروز آن ها به جرم دادخواهی در زنداند، مریمی که بعد از هشت سال حبس بی مرخصی به تازگی توسط مامورین امنیتی احضار و تهدید به حبس مجدد شده، گویی سایه ۱۵ سال حبس ناعادلانه مادر بر سر سه دختر نوجوانش کم است! خواستم صدای فاطمه مثنی باشم که ۱۳ ساله بود زندانی شد و سه برادرش اعدام شدند و حالا باز هم او و همسرش حسن صادقی هر کدام با ۱۵ سال حبس در زنداند، خواستم صدای فریبا کمال آبادی و مهوش شهریاری باشم که ۱۰ سال از حبسشان می گذرد و حتی نتوانستند در ازدواج فرزندانیشان حضور یابند، خواستم صدای مادران زندانی باشم، صدای الهام فراهانی و عادل نعمیمی زوج زندانی که به تازگی پسرشان شمیم را بعد از ۵ سال از زندان بدرقه آزادی کردند. خواستم صدای آریتا رفیع زاده و پیمان کوشکیباغی باشم که تنها فرزند ۷ ساله شان بشیر بین اوین و رجایی شهر سرگردان است و خاطرات کودکی اش در زندان به

ثبت میرسد! خواستم صدای مهدی و حسین هنرمندی باشم که برادرانه با هم حبس میکشند و اگر هنرنبد بودند و آلت دست دولتمردان قطعاً حالا آزاد بودند و صدای سازشان گوش دنیا را کر کرده بود! خواستم صدای زوجهای زندانی چون آفرین نیساری و کارن وفاداری باشم که اوین شده خانه مشترکشان، صدای آرش و گلرخ، آرش که با داغ قتل مادر توسط امنیتی ها حالا زندگی مشترکش با گلرخ با حبس سنگین بر دوش زیر سقف بندهای اوین سپری میشود، خواستم صدای خانواده دانشپورها باشم، صدای پدر و مادر بهنود رضانی که پرسیدند چرا فرزندانم کشته شد و به حبس محکوم شدند، خواستم صدای منصوره بهکیش باشم که پرسید چرا ۶ خواهر و برادر تیرباران شدند و قبرشان کجاست اما با حبس سنگین پاسخ شنید یا خانواده زینالی که پرسیدند سعیدمان کجاست ولی بازداشت و زندانی شدند، خواستم صدای مادرمان شهناز باشم که گفت پسر را کشتید و حالا به جای مجازات آمران و عاملان قتل مصطفی، زندانیان سیاسی را آزاد کنید اما خودش یکی از آنها شد، خواستم صدای پیمان عارفی باشم که مظلومانه مادر و همسرش را در راه ملاقات زندان از دست داد با مادر محسن قشقای، خواستم صدای زانیار و لقمان مرادی باشم زانیاری که حبس بی ملاقات را به عذاب پدر و مادر ترجیح میدهد و جوانی اش زیر تیغ اعدام چه تلخ میگردد! خواستم صدای تک تک زندانیان کردی باشم که غیورانه برای حفظ حرمت و ناموس و برای دور نگه داشتن خانواده از افکار پلید و تهدیدهای امنیتی به هر شکنجه و اعتراف اجباری تن دادند و راهی چوبه دار شدند، عزیزانی چون برادران دهقانی و بهرام و شهرام و حامد احمدی، و چه تلخ آمار بازداشت طایفه حسین پناهی ها در کردستان روز به روز افزایش می یابد! خواستم صدای مریم النگی باشم که همسرش محسن دکمه چی از بی توجهی در زندان جان داد و حالا مریم به خاطر توجه به همسرش در زندان است،

خواستم صدای شبنم و فرزاد مددزاده، ژیلابنی یعقوب و بهمن امویی، نیکا و نوا خلوصی، کیوان و کامران رحیمیان و فاران حسامی باشم، صدای شمیم مهاجر و شهاب دهقان و خواستم صدای پرستو فروهر و معصومه دهقان باشم صدای سیامک و باقر نمازی محبوس در انفرادی!

خواستم صدای تک تک کسانی باشم که از عدم امنیت، پس از آزادی ترک وطن کردند، چه کسی جز آنها و خانواده هایشان عمق سختی های تبعید اجباری را درک کردند؟! من با تمام وجود حتی خواستم صدای شکسته شدن سنگ قبر مادر شاهین نجفی باشم تا بگویم نه تنها ما منتقدین و مخالفین و زندانیان سیاسی در عدم امنیت به سر میبریم بلکه اعضای خانواده مان نیز علاوه بر تهدید و توهین و فشارهای ناشی از آزار عزیزانشان تحت خطر بازداشت و حبس هستند پنجاه و چهار روز پیش در حالی اعتصاب غذایم را شروع کردم که نمیخواستم بار مضاعفی بر دوش هم بندیان درد کشیده ام باشم اما در آن روزهایی که تشنه قطره ای آب بودم، میدیدم که آنها هر روز و هر لحظه با تنوع های مداوم با من زندگی را بالا آوردند! شرمسار بودم از دیدن درد کشیدم، فریادهای اعتراضشان به بی توجهی مسئولین و بهداری اوین به وضعیت جسمانی ام دیوارهای بند را لرزاند، تهدید و تنبیه شدند اما تنهایم نگذاشتند، در برابر یک به یک آنها سر تعظیم فرود می آورم.

پنجاه و چهار روز در حالی در اعتصاب غذا بودم که علاوه بر وخامت حالم پله های داسرا و دادگاه ری تفاوتی مسئولین به وضعیتم، تازیانه ای شد بر تمام وجود اعضای خانواده ام، خانواده ای که ذره ذره با من آب شدند ولی با مقاوت کم نظیرشان و با همراهی شجاعانه شان ایستادند و صدایم شدند، از سوی وزارت اطلاعات تهدید شدند اما همچنان همراهی ام کردند، بوسه میزنم بر پاهای خسته پدرم و دستان مادرم که مادرانه مینوشت، بوسه میزنم بر چشمان اشکیار خواهرانم که نمیخواستند به خاطر آنها اسبب بینم ولی در واقع آنها بودند که به خاطر من، به خاطر آزار من مورد هدف شکارچیان سیری ناپذیر قرار گرفتند، ممنونم که

## آتنا به اولین خواستش دست یافت آتنا باید فوراً آزاد شود!

ایستادگی آتنا دائمی بر خواست خود مبنی بر تبرئه خود و دو خواهرش انسیه و هانییه که به سه ماه و یک روز زندان به اتهام توهین به ماموران سپاه محکوم شده بودند به نتیجه رسید. دستگاه قضایی تسلیم شد و این حکم روز دهم اردیبهشت لغو شد و آتنا به ۵۴ روز اعتصاب غذایی خود پایان داد. آتنا اما با اتهامات دیگری به هفت سال زندان محکوم شده است و از مهر ۹۳ در زندان به سر میبرد. هرچند آتنا همچنان در زندان است اما همین حد از عقب نشینی دستگاه قضایی در مقابل آتنا و افشاکاری های او یک موفقیت درخشان برای آتنا و خواهرانش و یک موفقیت در امر مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه سیستم غیر انسانی قضایی حکومت است. این موفقیت را به آتانی عزیز، به دو خواهرش و پدر و مادر عزیزش و همچنین سازمانها و مردم آزادیخواهی که فعالانه از او حمایت کردند صمیمانه تبریک میگویم.

اما آتنا همچنان در زندان

همراه بودند.

ری من خواستم صدای بی صدایان باشم اما در اوج تب و تاب انتخابات بود که زیر بار تبلیغات له شدم و این شما مردم شریف بودید که فریاد شدید و همراه هم صدا با من و خانواده ام شدید، شما عزیزانی که نمیشناسم و شاید هرگز نشناسم یا دوستان و رفقای ناب که همواره در کنارم بودند، اگر نبودید حالا بعد از پنجاه و چهار روز موفق نمیشدم قطعاً از خیلی ها باید نام ببرم و قدردانی کنم اما به خاطر امنیت معذورم!

نجاه و چهار روز گذشت و من نه، در واقع شما پیروز شدید، با حمایت گسترده، با قلم هایتان، با فریادتان با شعر و ترانه و نقاشی و به هر طریق ممکن پیروزی را رقم زدید، که برای همه ما شیرین است،

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ خرداد ۱۳۹۶  
۱ ژوئن ۲۰۱۷

از تمامی نهادهای حقوق بشری ممنونم.

من پس از پنجاه و چهار روز اعتصاب غذا به همراه شما موفق شدم که حکم تبرئه خواهرانم را به دست آورم و این آغاز راه است، آغاز راه ایستادن در برابر آزار و اذیت خانواده های زندانیان سیاسی یا خانواده های جانباختگان.

با کسب موفقیتی که با حمایت شما عزیزان و سروران میسر شد امروز ۳/۱۰/۹۶ به این اعتصاب غذا پایان خواهم داد و از تک تک عزیزان همراه تشکر و قدر دانی می کنم.

به امید آزادی  
آتنا دائمی  
۳/۱۰/۹۶

بند زنان زندان اوین"



## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی

### دو فعال حقوق بشر اهل سندج مورد تهدید قرار گرفتند

دو فعال حقوق بشر از سوی وزارت اطلاعات طی چندین تماس تلفنی مورد تهدید قرار گرفتند. براساس گزارش رسیده روز چهارشنبه دهم خردادماه، شیوا گنجی روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر و همسرش مباح نظری روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر توسط وزارت اطلاعات تهدید شدند.

این دو، دلیل تهدید وزارت اطلاعات را ارتباط با زندانی فرهاد سلمان‌پورظهیر که مدت پنج ماه است در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات در سلول انفرادی بسر می‌برد، عنوان کرده‌اند.

چند سال پیش، این دو فعال حقوق بشر به دلیل فشار نیروهای اطلاعاتی مجبور به ترک ایران شدند و هم‌اکنون در آمریکا سکونت دارند. شیوا گنجی از خبرنگاران باشگاه خبرنگاران جوان در سندج و مباح نظری نیز سردبیر هفت‌نمایی دیدگاه بوده است. در همین رابطه، شامگاه گذشته نیز، وزارت اطلاعات طی تماس تلفنی دو تن از فعالین کاری به نام‌های "بهنام ابراهیم‌زاده" و "محمود صالحی" را تهدید به بازداشت کرده است.

### دختر ۱۷ ساله ای در شهرستان مریوان بدلیل مشکلات خانوادگی دست به خودکشی زد

روز شنبه ۶ خرداد ۱۳۹۶ دختری اهل مریوان با نام "سحر ایوبوند" ۱۷ ساله، با به آتش کشیدن خود، به زندگی‌اش پایان داد. سحر ایوبوند، اهل روستای "قامیشله" می‌باشد که بدلیل بالا بودن درصد سوختگی جان خود را از دست داد. منابع خبری دلیل خودکشی این جوان ۱۷ ساله را مشکلات خانوادگی اعلام کرده‌اند.

### نرگس محمدی تحت عمل جراحی قرار گرفت

نرگس محمدی، نایب رییس کانون مدافعان حقوق بشر که

هایی که زیبایی شان محکوم به حبس است تا که دزدان و قاتلان و جنایتکاران جولان دهند و غرش زنی چون آتنا بر سرشان خراب نشود تا فریاد من و ما و زنان سرزمینم شود ..

زنانی که هم بایدها و نبایدها را به دوش کشیدند اما چون کوهی استوار در این برهه از تاریخ ننگین میهن شان ایستاده اند. میدانم که سکوت در مرام تو نیست و در جنگ نابرابر با جانیان جانت را در دست گرفته ای پس بجنگ خواهرم که به زودی ما پیروزیم و دشمن از روسیاه ترین روسیاهان تاریخ است!

خواهر بفدای اعتصاب و دل سیرت تاریخ در مقابل بلندای روح سرخم میکند در سپیده دم آزادی، در آن هنگام که دیگر آزادی‌هایمان یواشکی نیست شادمانه و رهاتر از همیشه به آغوشت خواهم کشید.

### تأسیس انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی در ایران

کمتر هفت‌مئی است که رسانه‌ها از اسیدپاشی در ایران خبر ندهند. نهادهای هم برای حمایت از قربانیان وجود ندارد. انجمنی تازه تأسیس که توسط قربانیان، هنرمندان و پزشکان بنیان‌گذاری شده، چنین حمایتی را هدف خود قرار داده است. اسیدپاشی به یکی از معضلات جدی جامعه ایران تبدیل شده است. آمار دقیقی هم از قربانیان آن در ایران وجود ندارد. قربانیان این شکل شدید از اعمال خشونت بیشتر زنان هستند. نهادهای هم برای حمایت از قربانیان اسیدپاشی وجود ندارد و آنان عملاً با دردها و مشکلات خود تنها می‌مانند.

انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی که توسط شماری از قربانیان، هنرمندان و پزشکان بنیان‌گذاری شده چنین حمایتی را هدف خود قرار داده و می‌کوشد در این حوزه روشنگری کند.

معصومه عطایی، عضو هیأت مدیره "انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی"، به روزنامه "ایران" گفته است، این انجمن حدود یک ماه پیش تأسیس شده، اما ثبت انجمن، نزدیک به یک سال طول کشید، اما حالا آماده فعالیتیم و از همه خیران و هنرمندان می‌خواهیم یاری‌مان

کنند. همچنین از قربانیان اسیدپاشی در سراسر کشور می‌خواهیم برای عضویت در این انجمن اقدام کنند.

### عقب نشینی علنی از طرح کنترل حجاب زنان در ادارات

یک روز بعد از اعلام طرح وزارت کشور برای بازرسی از وضعیت حجاب و پوشش زنان در ادارات، سخنگوی وزارت کشور منکر این طرح شد.

سلمان سامانی سخنگوی وزارت کشور، روز ۱۰ خرداد با اشاره به انتشار برخی اخبار مبنی بر بازرسی از ادارات استانی و شهرستانی در حوزه عفاف و حجاب گفت بررسی ها، تنها اقدامات دستگاه‌ها در زمینه فرهنگ سازی برای عفاف و حجاب را شامل می‌شود و این بررسی‌ها به پوشش کارکنان این دستگاه‌ها ورود نمی‌کند.

وی در پاسخ به این سوال که آیا رویکردی وجود دارد که به دستگاه‌ها بگوید به صورت موردی حجاب افراد را بررسی کنند؟ نیز گفت: ما صرفاً اقدامات دستگاه‌ها را برای فرهنگ سازی و ارتقای فرهنگ عفاف و حجاب بررسی می‌کنیم، نه پوشش افراد را.

### پلیس راهور پرس دستگیری زنان، خط و نشان کشید

رئیس پلیس راهور ناجا اعلام کرد کشف حجاب و روزه خواری در خودروی شخصی جرم است و پلیس راهور متخلفان را به دستگاه قضایی تحویل می‌دهد. سه شنبه ۹ خرداد، تقی مهری، رئیس پلیس راهور ناجا گفت: درست است که خودرو از مصداق حریم شخصی محسوب

می‌شود، اما حکم آن حکم خانه نیست.

او در ادامه گفت، افرادی که اقدام به کشف حجاب و روزه خواری می‌کنند، توسط مأموران پلیس راهور بازداشت و در لحظه به دستگاه قضایی معرفی می‌شوند و حکمی که برای آنها صادر می‌شود همان چیزی است که در نص قانون لحاظ شده است.

### هنگامه شهیدی، روزنامه‌نگار زندانی، تحت در مان قرار گرفت

خانواده هنگامه شهیدی، روزنامه‌نگار زندانی، خبر دادند او سرانجام پس از یک ماه پیگیری‌های خانواده دیروز برای چند ساعتی به مرکز درمانی تهران کلینیک منتقل شد و از سوی متخصص قلب تحت معاینه و درمان قرار گرفت.

### الهام رسولی باقی فعال مدنی به دادگاه انقلاب احضار شد

به گزارش بازداشت به نقل از نه به اعدام الهام رسولی باقی فعال مدنی به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب احضار شد

### زنان در پی طلاق از همسران زندانی

رئیس سازمان زندانها از ۱۰ هزار همسر زندانی که به علت زندانی شدن سرپرست خانواده، خواستار طلاق بودند خبر داد. جهانگیر افزود "همچنین سال گذشته ۲ هزار و ۵۰۰ فرزند زندانی که در معرض اعتیاد بودند شناسایی شدند... همچنین بیش از ۷۰۰ فرزند زندانی ترک تحصیل کرده بودند."\*



تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!